

ژانوسی اخلاق

فربرز بیات

قانون‌گریزی و قانون‌شکنی بیشتر می‌شود؟ یا برعکس، به تحکیم و تقویت نظم و انضباط می‌انجامد؟

● آیا چنین پدیده‌ای آسیب‌های اجتماعی، چون سرقت، احتکار، فساد، اختلاس، قتل، خودکشی، طلاق، اعتیاد، افسردگی، یأس و ناامیدی را افزایش می‌دهد؟ یا برعکس، ناهنجاری‌ها، بزهکاری‌ها، و آسیب‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد؟

● و بالاخره، آیا چنین سوانح و فجایعی تعارضات، تضادها و کشمکش‌های اجتماعی و سیاسی را افزایش می‌دهد و زمینه را برای اصلاحات و تغییر و تحولات اجتماعی و سیاسی در جهت نظمی برابر، عادلانه و فراگیر فراهم می‌کند؟ یا به تحکیم و تقویت مناسبات نابرابر و تبعیض‌آمیز، و انسداد و استبداد کمک می‌کند؟

در پاسخ به چنین پرسش‌هایی می‌توان گفت: همه‌گیری جهانی کرونا با چهره «ژانوسی» خود نوعی دوگانگی اخلاقی را در جامعه دامن زده است. از یک سو، گروه‌های سودجو و فرصت‌طلب از چنین وضعیتی برای احتکار و گران‌فروشی دارو و اقلام و کالاهای بهداشتی سود جست‌ه‌اند، و در مقابل، گروه‌های داوطلب و انجمن‌های مردم‌نهاد و خیریه به کمک مردم گرفتار بیماری شتافته و به توزیع اقلام بهداشتی و مواد غذایی بین مردم گرفتار اقدام کرده‌اند. گروه‌هایی به لاک خودخواهی فرورفته و سعی کرده‌اند گلیم خود را از آب بیرون بکشند، و گروه‌های دیگری این وضعیت را فرصتی مناسب برای تحکیم اخلاق اجتماعی، تعاون، همیاری و همدلی دانسته‌اند و منافع و خیر اجتماعی را بر نفع فردی ترجیح داده‌اند.

گروهی تعطیلی کار و قرنطینه‌خانی را فرصتی برای بازگشت به خانه و تقویت روابط و مناسبات خانوادگی قرار داده‌اند، اما در گروه‌های دیگری، بیکاری، فقر و بی‌برنامگی از یک‌سو، و فقدان منابع درآمدی برای گذران زندگی در چنین وضعیتی از سوی دیگر، موجبات گسترش تنش‌ها و تعارضات خانوادگی بین مردان و زنان، و

همه‌گیری جهانی (پاندومی) «کرونا» و گونه‌های متفاوت مواجهه با آن در جامعه، ضرورت تأمل از منظر علوم اجتماعی در این زمینه را یادآور می‌شود. در مورد نحوه مواجهه با چنین مصائب و مسائلی دو نگرش متفاوت در جامعه قابل تمیز و تشخیص است:

● این پدیده چه تأثیری بر اخلاق اجتماعی دارد؟ آیا به تنزل و تزلزل اخلاق اجتماعی می‌انجامد و موجب می‌شود مردم در چنین شرایط بحرانی کمتر دغدغه رعایت اخلاقیات را داشته باشند و راحت‌تر از قواعد و هنجارهای اخلاقی تخطی کنند؟ یا برعکس، قرار گرفتن در چنین وضعیتی موجب تقویت حس همدردی و همدلی و کمک و همیاری می‌شود؟

● آیا چنین فجایعی خودخواهی و نفع‌طلبی را دامن می‌زند یا موجب احساس تعهد و مسئولیت اجتماعی بیشتر و کمک و خیرخواهی، و ایثار و از خودگذشتگی می‌شود؟

● آیا چنین حوادثی قواعد و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی را زیر سؤال می‌برد و موجب می‌شود شهروندان نسبت به اعتبار، مشروعیت و مطلوبیت چنین قواعدی دچار شک و تردید شوند؟ یا برعکس، تعهد و تقید به قواعد اخلاقی را تحکیم و تقویت می‌کند؟

● آیا چنین سوانحی فردگرایی و تکروی را افزایش می‌دهد و موجب می‌شود هر کس فقط به فکر خود و خانواده‌اش باشد و تنها گلیم خود را از آب بیرون بکشد، یا وحدت، هم‌بستگی و مشارکت اجتماعی را تقویت می‌کند و حتی به گذشتن از نفع فردی برای دستیابی به خیر اجتماعی می‌انجامد؟

● آیا چنین وقایعی احساس بی‌اعتمادی اجتماعی را دامن می‌زند و بدبینی و سوءظن را در روابط بین‌فردی، گروهی و اجتماعی افزایش می‌دهد، یا به تحکیم روابط، تقویت حسن ظن، و تقویت اعتماد بین‌فردی و نهادی کمک می‌کند؟

● آیا کرونا نظم و انتظام اجتماعی را به هم می‌زند و موج



بودجه‌های بالا، اما ناکارآمد و غیرمفید را، در برخی از کشورها برای شهروندان عیان ساخت؛ همچنان که ارزش و اهمیت وجود برخی بخش‌ها و ادارات را برای حفظ سلامت و جان مردم بیش از پیش مشخص کرد.

اما مهم‌تر از همه این‌ها، کرونا نشان داد مردم همه کشورها در یک جهان به هم پیوسته زندگی می‌کنند. اتفاقات و رویدادهای مثبت و خوشایند یا منفی و رنج‌آور دیگر چون گذشته صورت محلی، منطقه‌ای و محدود ندارند و آثار و پیامدهای آن‌ها همه کشورها را در بر خواهد گرفت. به همین دلیل نمی‌توان به دور خود حصار کشید و از مناسبات جهانی کناره گرفت، یا خود را چون برخی قدرت‌های غربی، تافته جدا بافته دانست و از توفان حوادث برکنار ماند. همچنان که مزایای جهان ارتباطات و اطلاعات، پیشرفت‌های علمی و فناورانه، ابتکارات و اختراعات، یا کشف راه‌های غلبه بر بیماری‌ها، و حتی بالا و پایین شدن قیمت نفت و طلا یا ارزهای بین‌المللی، بر کوچک‌ترین کشورها در دورافتاده‌ترین مناطق صحرای آفریقا تأثیر می‌گذارند.

تخریب محیط زیست، نازک‌شدن لایه اوزون، جنگ و خشونت، و بیماری‌ها نیز شکل همه‌گیر و جهانی پیدا کرده‌اند و دیگر نمی‌توان عواقب و آثارشان را به یک کشور یا منطقه محدود کرد. چنان که جنگ خلیج فارس کل منطقه را به نوعی درگیر کرد یا دامنه جنگ گروه‌های تکفیری و داعش در عراق و سوریه، با سیل مهاجران، به کل اروپا و آمریکا نیز کشیده شد. جنون گاوی و آنفلوآنزای پرندگان هم بسیاری از کشورها را درگیر کرد. به طور کلی، جهان معاصر که ما در آن زندگی می‌کنیم، بسیار کوچک و به هم پیوسته شده است. نظم و پیشرفت، بی‌نظمی و آشفتگی، اعتماد و ایمنی، و مخاطره از ویژگی‌های دوقطبی این جهان به هم پیوسته است.

والدین و فرزندان را فراهم کرده است؛ تا جایی که حتی بنا بر برخی برآوردها، آمار طلاق و آسیب‌های اجتماعی در این ایام در برخی کشورها بالا رفته است.

چهره دوگانه کرونا اخلاق سیاسی را نیز تحت تأثیر قرار داده است: از سویی موج کمک و همیاری بین دولت‌ها را برای عبور از این بحران برانگیخته است، و از سوی دیگر، برخی کشورها این وضعیت را فرصتی برای تحت فشار قرار دادن دولت‌های رقیب دانسته‌اند و از اخلاق بشردوستانه و انسانی عدول کرده‌اند. در داخل کشورها نیز کرونا مشت سیاستمداران را باز کرده و قدرت و ضعف آن‌ها را در مدیریت جامعه و دانش و اراده آن‌ها را برای تصمیم‌گیری به موقع برملا کرده است. بسیاری از دولت‌ها و دولتمردان در دوراهی «نجات اقتصاد» یا «حفظ جان شهروندان» دچار تردید و تزلزل شدند. کرونا ناکارکردی و ضعف دستگاه‌های اجرایی پرطمطراق و مراکز پرخرج و دارای